

سینما آینده

درباره «۳۵ پیهاله» ساخته کلر دُنی

فقط خدا می‌داند که...

یایک گرانفر

«۳۵ پیهاله» یکی از شخصی‌ترین آثار کلر دُنی کارگردان بصیر و صاحب‌سبک فرانسوی، برگرفته از یک تجربه واقعی در زندگی مادرش با پدربزرگ اوست؛ مردی که با ازخودگذشتگی پس از مرگ همسرش وقف به ثمر رساندن تنها دخترش شده است؛ دختری جوان که از انجام وظایف فرزندی و نشان دادن مراتب قدرشناسی فروگذار نیست. خانواده خوشبخت و قدرشناسی فرودگار نیست. خانواده خوشبخت و کامل یک پدر و دختر که در دل می‌دانند دیر با زود سرنوشت آنها را از هم جدا خواهد کرد و... کلر دنی از شباهت‌های وثیق این سرگذشت با قصه «اواخر بهار» (شاهکار بی‌بدیل یاسوجیرو ازو) و «کافه لومیر» اثر درخشان هو شیا هوشین (که بازسازی دیگری از «اواخر بهار» است)، مسندند محکمی ساخته است تا «۳۵ پیهاله» را بر آن بنشاند.

بخش اعظمی از داستان فیلم در مجتمعی آپارتمانی در بانلیوهای پاریس امروز می‌گذرد؛ جایی که بیشتر ساکنانش را مهاجران و آفریقایی‌تبارها تشکیل می‌دهند. «لیونل» (با بازی الکس دکا) راننده خطوط مترو شهری است که با تنها دخترش ژورفین (ماتی دیوپ) زندگی می‌کنند. ژورفین دانشجوی علوم انسانی است و در جایی از فیلم می‌بینیم که در کلاس، بر سر مواضع سرسختانه‌ای در مورد مناسبات جهان پسااستعماری و بدهی‌های سنگین کشورهای «جنوب»، ایستادگی می‌کند.

پدر و دختر، زندگی ظاهراً بی‌نیاز و شادمانه‌ای دارند، اما باطناً هر دو می‌دانند که تردیدهایشان را پنهان می‌کنند تا در ایفای مسوولیت‌ها و وظایفشان در و قبال دیگری خللی وارد نشود. در همسایگی آنها زنی میانسال به نام گابریل (نیکول دوگ) و پسری جوان به نام نونه (گرگوار کولن) زندگی می‌کنند که هر کدام به نوبه خود انتظار وصل با نونل و ژورفین را می‌کشند. ترس و وسوسه از وقتی شروع می‌شود که یکی از همکاران نونه بازنشسته می‌شود و در جشنی که همکارانشن برای او ترتیب داده‌اند، از لیونل می‌خواهند تا رسم رفاقت را به جا آورد و وعده‌ای قدیمی را عملی کند که شرط «۳۵ پیهاله» است. واکنش او منفی است و «هنوز فرصت هست» را پنهان می‌کند. در مسیر بازگشت شبانه به منزل، نونل به مترو به همکار مایوس‌اش نگاه می‌کند که آن روز اشک‌هایش را در حسرت زندگی پیش از بازنشستگی دیده است و...

جیم جارموش که در فیلم «در جنگ قانون»، کلر دنی را به عنوان دستیار در کنارش داشته، تعبیر فوق‌العاده‌ای از منش متفاوت فیلم‌های او کرده است: «فیلم‌های او یک‌جور خشکی پر از جذبۀ دارند و از درام‌های کلیشه‌ای اجتناب می‌کنند، اما به شدت



حسی و غالباً لمس‌شدنی هستند.» به گواه تجربیات سینمایی اخیرش، کلر دنی نشان داده قصه‌گویی بصری را بر قصه‌گویی کلامی ترجیح می‌دهد (دو فیلم قبلی او، «دردسر هر روز» و «تعدی‌کننده» را به راحتی می‌توان در رده آثار انتزاعی گذاشت)، و از شیوه‌های سنتنی روایت معمولاً استفاده نمی‌کند، از دیالوگ‌ها به شکلی مینی‌مال بهره می‌برد، و در آثارش اغلب عناصر سمعی و بصری، وظیفه حفظ تداوم را به دوش می‌کشند و خودش چندان اعتقادی به مبنای کلاسیک فیلمسازی یعنی شیوه نما/نمای معکوس ندارد. این زیبایی‌شناسی خاص اقتضا می‌کند تا ریتم، بافت و حس و حال، نقش عملی در جلو بردن روایت‌های فیلم‌هایش داشته باشند (تفاوت کارگردانی با ریتم کند را در «۳۵ پیهاله» به وضوح می‌توان دید) و موسیقی تشخص بیشتری پیدا می‌کند (مثن اشعار کارکردی مانند الفاظ می‌یابد که بازیگران در سکوت آنها را رد و بدل می‌کنند). طبعاً در «۳۵ پیهاله» نیز این «صویرنگار‌ها» (به زعم جیم هوبرمن منتقد معروف) وجود دارد.

اما کلر دنی نشان می‌دهد که در رهیافت خاصش به سینما به عنوان یک رسانه به چنان درجه‌ای از پختگی رسیده است که حتی مخالفاش را نیز با این فیلم وادار به تحسین شهودهای ژرف خود می‌کند. «۳۵ پیهاله» کماکان از شگردهایش برای تاثیرگذاری غیرمستقیم بر مخاطب استفاده می‌کند، اما دنی با محو کردن کلام و ایجاد نوعی سکوت و تانی ذاتی کاری می‌کند که عارضه عدم قطعیت (اتهام لوس و خشکی که به فیلم‌های از این دست می‌بندند) نتواند موجب خدشه‌دار شدن اعتماد مخاطبانش به فیلم و از دست رفتن امنیت عاطفی آنها شود. الکس دکا (که در کنار انیس گودار فیلمبردار) و زان پل فارزو (فیلمنامه‌نویس) و تیندراستیکس (آهنگساز) ارکان ثابت فیلم‌های خانم دنی را تشکیل می‌دهند) به نقش لیونل، چه‌راهی کم‌گو و خاموشی‌طلب را از پدر فیلم ترسیم می‌کند که به جرات می‌توان آن را یکی از بهترین بازی‌هایش دانست. در «۳۵ پیهاله» اعضای کوارتت فیلمسازی خانم دنی باز هم هماهنگی ظرفیتی با هم برقرار کرده‌اند تا منظومه‌ای از اشک‌ها و لبخندها، حالات و اشارات، نگاه‌ها و اطوارها، و رفتار و سکنات را با هدایت استادانه کلر دنی به سمفونی خاموشی بدل کنند که طنینش تا زیر پوست‌مان رسوخ می‌کند و دل را می‌لرزاند.

یک کلیک ساده در اینترنت از مهم‌ترین امتیاز فیلم‌هایی محسوب می‌شود که توسط طرفداران (فن‌ها)، یکی پس از دیگری کمیک‌تر، مبتکرانه‌تر و بلندپروازانه‌تر ساخته شده‌اند. هنوز بسیاری به این فیلم‌ها به دید تولیداتی برطمطراق و بیهوده که توسط عواملی بیکار و تنبل و دارای کمبود اجتماعی ساخته شده، می‌نگرند. در بسیاری از موارد آنها درست می‌گویند اما این گونه به نظر می‌رسد که برخی از این فیلم‌های آماتوری که در سایت یوتیوب و سایت‌های مشابه پخش می‌شوند، روزی توسط عاشقان فیلم به عنوان آثاری تاثیرگذار از نسل بعدی فیلمسازان گرامی داشته خواهند شد.

«فن فیلم» که توسط فردی آماتور ساخته شده، مسلماً کاری به منظور سود مادی نیست و با الهام از یک فیلم، نمایش تلویزیونی یا داستان مصور ساخته می‌شود که البته کار جدیدی هم نیست. پیش از آیین‌های فیلم‌های علمی – تخیلی در دهه ۷۰ افرادی چون اندی وارهل و هیو هافنر جزء گروهی بودند که آغاز فیلمسازی‌شان با ساختن آثاری در ستایش علایق سینمایی‌شان بود. آنچه ممکن است باعث ایجاد تغییری اساسی شود، روش‌هایی است که دارند تاثیر جدی بر سینمای تجاری دهه بعد بگذارند. میزان کیفیت، وجود حرفه‌ای گری و جاه‌طلبی در خمیره فن – فیلم‌های معاصر، وجود تجهیزات وسیع باکیفیت و ارزان، توزیع فوری در اینترنت و درگیر شدن رو به گسترش بازیگران و فارغ‌التحصیلان مدارس فیلمسازی در این آثار، به این معناست که این فیلم‌ها مردمی‌ترین فیلم‌ها هستند. اغلب‌شان بسیار هوشمندانه، شوخ‌طبعانه، با ارزش‌های تولیدی موثر و اجراییابی قوی ساخته می‌شوند و می‌توانند آثاری ناب و اصیل لقب گیرند.

این فیلم‌ها تماشایچان خود را پیدا کرده و پاداش خود را می‌گیرند. تعدادی از آنها همچون فیلم بلندپروازانه سال قبل «شکار گولوم» که توانست مقدمه‌ای بر ارباب حلقه‌ها باشد، در جشنواره فیلم‌های علمی – تخیلی لندن به نمایش درآمد و بعضی دیگر همچون «بازگشت روح‌شکن‌ها» در سینماهای مستقل به عنوان بخشی از رویدادهایی که طرفداران در اقصی‌نقاط جهان سازماندهی می‌کنند، به نمایش در خواهند آمد. فیلم «تریلر یک فیلم اسکاری» اثری کمیک، هوشمندانه، زیرکانه و با الهام از فیلم‌های هالیوودی نامزد اسکار توسط دو فارغ‌التحصیل آماتور در آتلانتا ساخته شد و در اولین هفته‌ای که در ماه مارس در یوتیوب قرار گرفت، نزدیک به نیم میلیون نفر بیننده داشت ۴۹۹٬۹۸۹ نفر بیشتر از تعدادی بود که در آخر هفته در انگلستان به دیدن فیلم «مادری» با بازی اما تورنمن رفته بودند.

فن – فیلم‌ها، اولین و بهترین راه برای پایان بخشیدن به وسوسه‌های معصومانه سازندگان‌شان است؛ وسوسه‌ها و عقده‌هایی که از عدم مشارکت در زندگی و سرنوشت فیلم‌های مورد علاقه آنها نشأت می‌گیرد. فن – فیلم چه نسخه‌ای باشد از «جنگ ستارگان» یا لگو یا نمونه اچ‌دی و روشنفکرانه‌ای به نام «هفت سامورایی قسمت دوم»، انگیزه ساخت آن از همان غرایزی می‌آید که جمع‌آوری امضا یا میزبانی مسابقات محلی شباهت با مرلین مونرو را هم راهبری می‌کند. این فیلم‌ها اصولاً شرحی از شیفتگی و عشق هستند یا اشتیاق می‌خواهند خود را به هیاهوی پس از ارکان فیلم متصل کنند. بهترین فن – فیلم‌ها برای بعضی علاقه‌مندان چیزی دارد که فیلم‌های هالیوودی اغلب نمی‌توانند به آنها دست یابند. استودیوها استفاده از شگردهای تبلیغاتی درازمدت را گسترش می‌دهند و به آرامی این نکته را درک می‌کنند که شکل دادن رابطهای با تماشاگران ورای دو ساعت فیلم، بسیار محکم‌تر و ارزشمندتر است.

نیک کوچر می‌گوید: «قطعاً رابطهای بسیار صادقانه بین فیلمسازان آماتور و بینندگان وجود دارد.» او که یکی از دو کارگردان فیلم «تریلر یک فیلم اسکاری» است، می‌گوید: «این بخش مهمی از دلایل مردمی بودن این فیلم‌ها به نسبت فیلم‌هایی است که در سالن نمایش دیده می‌شوند. در پروسه ساخت، کسی بالای شانه‌هایتان نمی‌ایستد تا بگوید نمی‌توانی این کار را انجام دهی، یا انتخابی به کارگردان تحمیل نمی‌شود یا اینکه بگویند این اثر غیرقابل عرضه است. وقتی پول از پروسه تولید خارج می‌شود، اثری فوق‌العاده سرگرم‌کننده و جالب توجه می‌تواند خلق شود. نه اینکه بخواهیم فیلم‌های هالیوودی را بی‌ارزش جلوه دهیم، اما حس بزرگی از همدردی و رفاقت بین یوتیوب‌روهای آماتور و کارگردان فن – فیلم‌ها وجود دارد و درست مثل این است که آنان در کنار هم در حال روبه‌رو شدن با بقیه دنیا هستند.»

«مرد عنکبوتی ساخته وس اندرسون» ساخته یک دانش آموز ۲۰ساله کالیفرنایی، تصویری جاه‌طلبانه از قسمت بعدی ابرقهرمان مرد عنکبوتی است، با این پیش‌فرض که وس اندرسون کارگردان مستقل آمریکایی آن را ساخته باشد و از لحنهای که در ماه فوریه در یوتیوب قرار گرفت، بیش از ۱۵۰ هزار نفر آن را دیدند. «جف لاونس» کارگردان فیلم می‌گوید: «بضی اوقات

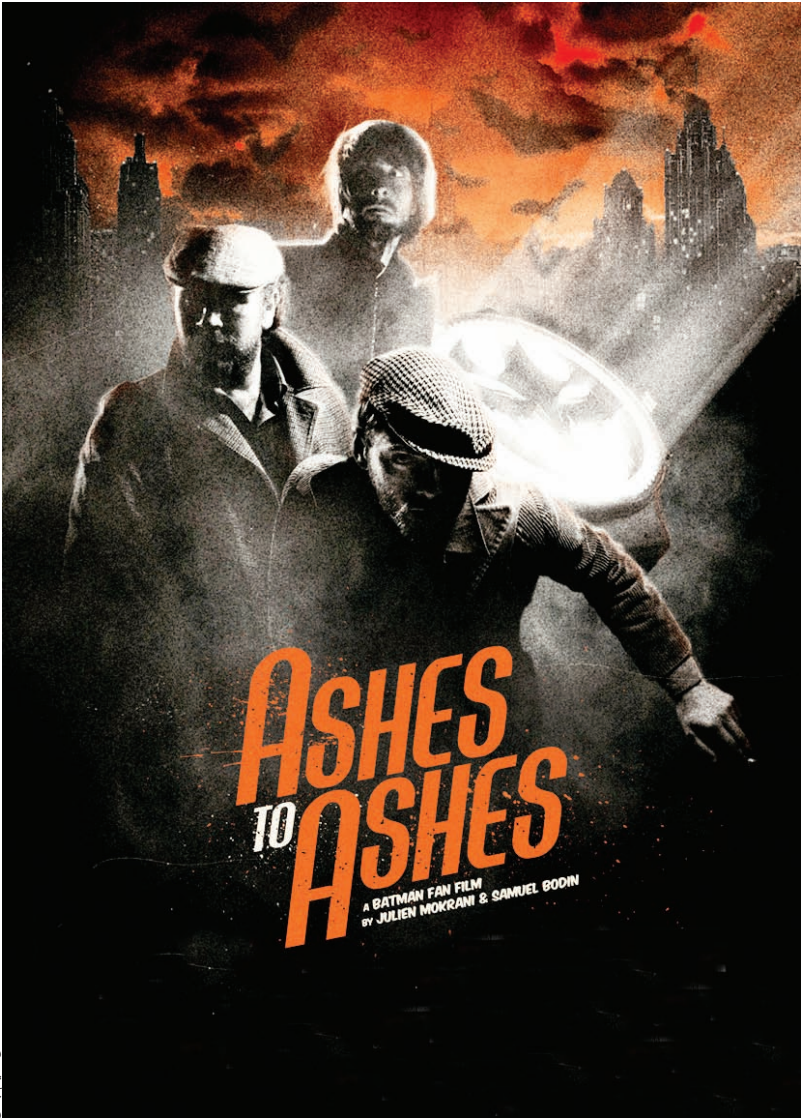
سینمای جهان

نگاهی به موج نو فن – فیلم‌ها

هواداران سرسپرده، کارگردانان آینده

جین گراهام

ترجمه: کامیار کردستانی



فن – فیلم‌ها اولین و بهترین راه برای پایان بخشیدن به وسوسه‌های

معصومانه سازندگان‌شان است؛ وسوسه‌ها و عقده‌هایی که از عدم مشارکت

در زندگی و سرنوشت فیلم‌های مورد علاقه آنها نشأت می‌گیرد. «فن – فیلم» که توسط فردی آماتور ساخته شده، مسلماً کاری به منظور سود مادی نیست و با الهام از یک فیلم، نمایش تلویزیونی یا داستان مصور ساخته می‌شود.

کمبود بودجه و کیفیت مواد خام در کنار هم باعث ایجاد آرامش در بیننده می‌شود و آنها رابطهای بسیار حسی با فیلم برقرار می‌کنند.» او همچنین می‌گوید: «آنها می‌دانند که یک آدم معمولی آن را ساخته است، پیشرفت تکنولوژی ما را به زمانه‌ای نزدیک می‌کند که در آن انسان‌های عادی می‌توانند فیلم‌هایی با استانداردهای فیلم‌های استودیویی بسازند و عاملی شخصی را نیز به آن بیفزایند که باعث نزدیک شدن آنان با تماشاگر شود چرا که اینجا از بورن و سرمای نمایش‌های آزمایشی گروه‌های متمرکز تولیدی خبری نیست.» «استورات کاسگر» از کارگردانان تلویزیون که شدیداً استفاده‌کنندگان از رسانه‌های دیجیتال را پشتیبانی می‌کند، فیلم‌هایی مثل فیلم لاونس را برخورد دو رویداد فرهنگی معاصر می‌داند. او می‌گوید: «غالب اوقات این فیلم‌ها به مسیری انحرافی از دست انداختن و تمسخر کردن دیگران سرازیر می‌شوند؛ آثاری که اغلب سازندگان آنها در سطح پایین فرهنگی قرار دارند و فیلم را بر اساس تصاویر رسانه‌ای بنا می‌کنند.» او می‌گوید: «تمامی این تمسخرها و استفاده از رسانه‌های دیگر در جهت این است که بگویند ما هم وجود داریم و این مساله در حال تبدیل شدن به یک زیرساخت فرهنگی آنلاین است. شخصیت‌های پانکی که وارد این عرصه شده‌اند را هم به آن اضافه کنید که قصدشان مشارکت است و نه بیننده تام بودن و دست آخر واقعیت توزیع سریع و هجومی این آثار را هم در نظر بگیرید. فرهنگ «فقط انجامش بده» رو به ترقی است.»

البته این درست‌است که تا زمانی که برخی از این فیلم‌ها جیزی بیش از بازتولیدات کورکوزانه از کلاسیک‌های علمی – تخیلی و فانتزی همچون «جنگ ستارگان» و «سفر ستاره‌ای» نباشند بسیاری همچنان علاقه‌مند هستند مردم را با تقلید از آثار بزرگ سینمایی و رسانه‌های فرهنگی، سبک‌ها و کلیشه‌های رایج فیلم‌های بزرگ، بازار فیلم و عادات طرفداران در پرستش آنان، سرگرم کنند؛ کارهایی درخشان با بودجه اندک از «براندون هاردستی» به نام «تسخه جدید با بازیگر جدید» (از جمله این فیلم‌ها حضور وودی آلن و آنزولد شوارزنگر در سکوت بره‌ها و همین‌طور کریستوفر واکن

این تماشاگران هستند که شما را پیدا خواهند کرد.» «کوچر» و «مک‌الهامی» هم این مساله را تصدیق کرده و معتقدند یوتیوب به آنها آموخته صداقت و درستی شخصیت خود را برای یافتن حتی یک بیننده دور نریزند. کوچر می‌گوید: «چیزی که ما را ساخته، این است که می‌نویسیم، کارگردانی می‌کنیم، بازی می‌کنیم و تدوین می‌کنیم.» او می‌گوید: «ما واقعاً آماده‌ایم برای کار خود بچنگیم. افرادی مثل ریکی گراویس با سریال «داره» ثابت کردند می‌توانند این‌ کار را انجام دهند. برادران کوئن قبل از آنکه پولی داشته باشند نشان دادند می‌توانند صادقانه فیلم بسازند پس وقتی برای کار خود بودجه گرفتند دیگر کسی از آنها نخواست آن چیزی باشند که نیستند. ما از یوتیوب استفاده می‌کنیم تا ثابت کنیم می‌توانیم چنین کاری انجام دهیم، ما در حال به دست آوردن جایگاه خود هستیم.»

۱۰ فن – فیلم برتر

۱ – تریلر یک فیلم اسکاری

نیک کوچر و برایان مک‌الهامی مسیر فیلم از ابتدای طرح تا پایان تدوین را ۱۰ روزه طی کردند تا این هجویه خوش ساخت را در باب کلیشه‌های رایج تیزر فیلم‌های هالیوودی بسازند و بینندگانی را شاهد باشند که روز به روز زیادت‌ر می‌شوند دو میلیون نفر از جمله «راجر ایبرت» و «اشتون کوچر» فیلم را دیده‌اند.

۲– مرد عنکبوتی ساخته وس اندرسون

تیزر اسپایدرمنی جدید – اگر وس اندرسون آن را می‌ساخت – اثری است که اشتیاقی و علاقه شدید «جف لاونس» دانشجوی ۲۰ساله را به کمدی‌های ابزوردی همچون «هانتی پیتون» و «داره» نشان می‌دهد.

۳– شکار گولوم

با وجود بودجه اندک سه هزار یورویی، مقدمه‌ای بر ارباب حلقه‌ها، ساخته مهندس کامپیوتری بریتانیایی به نام «کریس بوچارد» جذاب و دیدنی است؛ فیلمی ۴۰ دقیقه‌ای که به افتخار دیده شدن توسط بیش از پنج میلیون نفر رسید.

۴ – نسخه جدیدی با بازیگر جدید – قسمت اول: ویلی وونکا و کارخانه شکلات‌سازی

«براندون هاردستی» کمدینی است که تعدادی از سکناس‌های مشهور سینمایی را با بازیگران اصلی دیگری (که نقش تمام آنها را خودش بازی می‌کند) بازسازی کرده است. ویلی وونکا و کارخانه شکلات‌سازی موفق‌ترین آنهاست.

۵ – مافیا

فیلمی کمدی از تیمی کم‌دین و اهل نیویورک به نام «دریک» که شاید شوخی کشاردی به نظر برسد اما مهارت به کار رفته در ساخت این فیلم تک‌برداشتی با زمان سه دقیقه و ۲۳ ثانیه، بسیار جالب توجه است. نخستین فیلم بلند داستانی این تیم به نام «تیم سری» سال قبل در فستیوال ساندنس به نمایش درآمد.

۶– بازگشت روح‌شکن

تجلیاتی از یک بازی کامپیوتری و با مدت زمان یک فیلم بلند که «هانک براکستان» آن را شاهکار فن – فیلم‌ها می‌داند. سازندگان بازی کامپیوتری اصلی، این فیلم را بسیار دوست داشتند.

۷– توضیحات دی‌وی‌دی: فیلم سینمایی

«الفنت لری» تیم کمدی نیویورکی تعداد زیادی از آثار برجسته را مورد تمسخر قرار داده است که تماشاشان ارزش یک بار دیدن را دارند. تقلید پست‌مدرنی از توضیحات روی فیلم که در دی‌وی‌دی‌ها وجود دارد توسط بازیگران در حین اجرای سکناس‌ها اجرا می‌شود که بسیار جذاب است.

۸– از دست دادن لوئیس لین

این فیلم کوتاه زیبا که با بودجه‌ای بسیار کم، توسط «بلین ویور» اهل لوئیزانا ساخته شده سوپرمنی را به ما نشان می‌دهد که تا به حال ندیده‌ایم؛ بازنده‌ای قتل‌انگیز که روزهایش را به بیهودگی و بطلات و بانگ‌ریستن به عکس‌های دختری که او را طرد کرده می‌گذارند. فیلم بلند داستانی ویور به نام «دختر هوشناس» سال قبل برای اولین بار در جشنواره فیلم لس‌آنجلس به نمایش درآمد.

۹– گریسون

«جان فیورلا» این فیلم خود را با اقتباسی از یکی از داستان‌های مصور دی‌سی کمیکس به نام «ویک گریسون» ساخته که با بیش از ۹ میلیون بیننده، یکی از مردمی‌ترین فیلم‌های اینترنتی است.

۱۰ – بتمن: بن‌پست

این فیلم بتمن ساخته شده در سال ۲۰۰۳ توسط «سندی کولورا» را بسیاری از منتقدان نمونه پیشرفتی بزرگ در فن –فیلم‌ها می‌دانند که وارد مرحله جدیدی از مهارت‌های تکنیکی و جلوه‌های ویژه شده‌اند. کارگردان فیلم «کارمندها» یعنی کوین اسمیت آن را «شاید خالصانه‌ترین و بهترین فیلم بتمنی که تا به حال ساخته شده» می‌داند. کولورا در حال حاضر مشغول کار روی اولین فیلم بلندش است.

منبع: گاردین



خبر

ادامه صدرنشینی «خسوف»

رمانس خون‌آشامی «هاجرای دنباله‌دار گرگ و میش: خسوف» برای دومین هفته پیاپی صدرنشین بازار بین‌المللی شد و انیمیشن سه‌بعدی «من نفرت‌انگیز» عنوان پرفروش‌ترین فیلم این هفته امریکای شمالی را از آن خود کرد.

به گزارش خبرآنلاین به نقل از هالیوود ریپورتر، «هاجرای دنباله‌دار گرگ و میش: خسوف» با بازی رابرت پاتینسن و کریستین استیورتا این هفته تنها با ۱۲ درصد کاهش تماشاکر در ۹۴۴۰ سینما در ۶۳ کشور ۸۱/۱ میلیون دلار به دست آورد و فیلم اول در سطح بین‌المللی شد. سومین فیلم مجموعه سینمایی «گرگ و میش» بعد از ۱۲ روز فروش خود را به ۲۱۹ میلیون دلار رسانده است. «خسوف» این هفته در بازار امریکا و کانادا هم موفق بود و با ۴۹ درصد کاهش از جمعه تا یکشنبه ۴۴۶۸ سینما ۳۲/۴ میلیون دلار فروخت و در رده دوم جدول قرار گرفت. مجموع فروش این پروژه ۶۸ میلیون دلاری در امریکای شمالی پس از ۱۲ روز ۳۲۷ میلیون دلار و فروش جهانی آن ۴۵۶ میلیون دلار شده است. «هاه نو» فیلم قبلی «گرگ و میش» پارسال در ۱۲ روز اول اسکران ۲۳۵/۷ میلیون دلار فروخت و در نهایت در امریکا و کانادا با ۲۹۶/۶ میلیون دلار به کار خود پایان داد. عنوان پرفروش‌ترین فیلم این هفته امریکای شمالی از آن کارتون سه‌بعدی «من نفرت‌انگیز» تولید یونیورسال استودیوز شد. این پروژه ۷۰ میلیون دلاری از جمعه تا یکشنبه در ۳۴۷۶ سینما ۶۰/۱ میلیون دلار به دست آورد. «من نفرت‌انگیز» به کارگردانی پی‌یر کوفن و کریس رنو دربارۀ سه دختر یتیم است که می‌کوشند مردی که قصد درزدین ماه را دارد، از این کار منصرف کنند. استیو کارل، جیسن سیگال، راسل برنر، ویل آرت و میراندا کاسگرو صدایپیشه‌های این فیلم هستند.

موفقیت «من نفرت‌انگیز» بیشتر از این جهت اهمیت دارد که پس از «داستان اسباب‌بازی ۳: دیسنی/پیکسار و «آخرین مامور کنترل هوا» پارامونت، سومین فیلم سه‌بعدی است که این روزها در امریکا اکران شده است. «من نفرت‌انگیز» در سطح بین‌المللی تنها در چهار بازار افتتاح شد و پنج میلیون دلار فروخت. فیلم مرانه «غارتگران» با بازی آدرین برودی، لارنس فیشبرن، تافر گریس، الیس براگا و دنی ترخو نیز در اولین هفته اکران در امریکا فراتر از انتظار ظاهر شد و با ۲۵/۳ میلیون دلار فروش در ۲۶۶۹ سینما پس از «من نفرت‌انگیز» و «خسوف» در رده سوم قرار گرفت.

این فیلم ترسناک و افسانه علمی «غارتگران» را نیمرد آنتال فیلمساز مجارستانی کارگردانی کرده و رابرت رودریگز فیلمساز مکزکی تهیه‌کننده آن است. «غارتگران» دنباله‌ای بر دو فیلم «غارتگر» ۱۹۸۷ و «غارتگر ۲» ۱۹۹۰ است. داستان درباره گروهی جنگجوی ماهر است که تحت تعقیب اعضای یک گونه بیگانه بی‌رحم معروف به «غارتگران» هستند.انیمیشن سه‌بعدی «داستان



اسباب‌بازی ۳» در چهارمین هفته نمایش تنها ۲۷ درصد تماشاگران خود را از دست داد و با ۲۲ میلیون دلار فروش در ۳۷۵۳ سینما، ضمن اینکه در رده چهارم قرار گرفت، مجموع فروش خود را به ۳۴۰/۲ میلیون دلار رساند.

«داستان اسباب‌بازی ۳» در سطح بین‌المللی هم در ۳۹ کشور و ۶۹۹۲ سینما ۲۹/۱ میلیون دلار فروخت. فروش بین‌المللی فیلم ۲۱۲/۱ میلیون دلار و فروش جهانی آن (با احتساب بازار امریکا) ۵۵۲/۳ میلیون دلار شده است. فانتزی کودکانه و سه‌بعدی «آخرین مامور کنترل هوا» به کارگردانی ام. نایت شیامالان با ۵۷ درصد کاهش در مقایسه با هفته پیش در ۳۲۰۳ سینما در امریکای شمالی ۱۷/۱ میلیون دلار به دست آورد و در رده پنجم قرار گرفت. مجموع فروش فیلم پس از ۱۱ روز ۱۰۰/۲ میلیون دلار شده است. کمدی «ادمزگرها» با بازی آدام سندلر، کوین جیمز و کریس راک هم در سومین هفته نمایش ۱۶/۴ میلیون دلار فروخت و در رده ششم قرار گرفت. کمدی آکشن «شوالیه و روز» با حضور تام کروز و کاربنو دیزا فیلم کینگ‌فوبی «کاراکتید» با نقش آفرینی جکی چان و جیدن اسمیت، تریلر حادثه‌ای «تیم درجه یک» با بازی لیام نیسن و بردالی کوپر و کمدی «سایروس» با بازی جان سی. رابلی فهرست ۱۰ فیلم پرفروش این هفته امریکا را کامل کردند ۱۰ فیلم پرفروش این هفته در امریکا در مجموع ۱۹۱ میلیون دلار به دست آوردند که در مقایسه با هفته مشابه پارسال ۴۴ درصد بیشتر است. در سطح بین‌المللی انیمیشن سه‌بعدی «شرک برای همیشه» در ۷۰۲۲ سینما در ۴۷ کشور ۵۶/۲ میلیون دلار فروخت و فیلم دوم شد. فروش بین‌المللی تازه‌ترین فیلم مجموعه سینمایی «شرک» ۲۱۰ میلیون دلار و فروش جهانی آن ۴۴۳/۷ میلیون دلار شده است.

کارگردان «جان‌سخت» مجرم شناخته شد

جان مک‌تیرنان فیلمساز آمریکایی به خاطر دروغ گفتن به مأموران پلیس فدرال و یک قاضی در جریان بررسی پرونده استراق سمع آنتونی پلینکوامور تحقیق خصوصی هالیوود، مجرم شناخته شد. به گزارش خبرآنلاین به نقل از اسوشیتدپرس، مک‌تیرنان ۵۹ساله در دو مورد اظهارات خلاف واقع به اقبی‌آی و یک مورد شهادت دروغ به یک قاضی فدرال مجرم شناخته شد و می‌تواند به یک سال زندان محکوم شود. تاد نیل وکیل مدافع مک‌تیرنان گفت مسؤول او می‌تواند به حکم قاضی فدرال اعتراض کند. او افزود: «ما همچنان اعتقاد داریم اتهامات او به شکلی ناعادلانه مطرح شده است. افبی‌آی نباید با تماس‌های تلفنی ناگهانی و پرسیدن سوال‌هایی که خود از قبل پاسخ آن را می‌داند، شهروندان را غافلگیر کند.»